

فارسی نهم

شعرخوانی «دوراندیشی»

انواع تضاد:

از جمله: از گروه، از خانواده

آزادگان: (جمع آزاده) اصیل و شریف

برون: بیرون (مخفف)

همزادگان: (جمع همزاد) هم سن و سالان

پای در راه نهادن: رفتن، حرکت کردن (کنایه)

پویه کردن: دویدن، پوییدن

در آمد به سر: زمین خورد (کنایه)

پای از دست در آمد: تعادلش به هم خورد

مهر: محبت

مهر دل شکست: دلش شکست، ناراحت شد

مهره پشتش: ستون فقرات

ورا: (مخفف: وی را) برای او

دوست‌ترین: صمیمی‌ترین

بن: ته، عمق



فارسی نهم

بباید نهفت: باید انداخت و پنهان کرد